



HomePage: <a href="https://jquran.um.ac.ir/">https://jquran.um.ac.ir/</a>	Vol. 55, No. 1: Issue 110, Spring & summer 2023, p.69-98	
Online ISSN: 2538-4198	Print ISSN: 2008-9120	
Receive Date: 07-10-2020	Revise Date: 29-12-2022	Accept Date: 01-02-2023
DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jquran.2023.61941.0">https://doi.org/10.22067/jquran.2023.61941.0</a>	Article type: Original	

### The Number of the Prophets in the Quran and Its Critical Analysis in Islamic Sources

Dr. Mohsen Rajabi Ghodsi



(corresponding author), Assistant professor, University of Quranic

Sciences and Education

Email: [rajabi@quran.ac.ir](mailto:rajabi@quran.ac.ir)

Rezvan Rakhshani, MA Graduate, University of Quranic Sciences and Education

#### Abstract

The Holy Quran refers to the names of only 25 prophets. Still, the number of the prophets varies from 23 to 2225000 in the exegeses, narrative collections, and other Islamic sources. Most of these statistics have either no isnad or a weak isnad and are invalid. Yet from early Islam until now, by relying on the verse "And certainly We sent messengers before you: there are some of them that We have mentioned to you and there are others whom We have not mentioned to you" (*Walaqad ar-sal-nā rusulam min qab-lika min-hummanqashaṣ-nā 'alay-ka wamin-hummallam naq-ṣuṣ 'alay-k*) (40:78), regarding the number of the prophets, no conflict has been observed between the Quran and the narrations. So, the number 124000 prophets have been accepted by Muslims and become famous. However, this verse as well as its co-content verse; "And (We sent) messengers We have mentioned to you before and messengers we have not mentioned to you" (*Warusulan qad qashaṣ-nāhum 'alay-ka min qab-lu warusulallam naq-ṣuṣ-hum 'alay-k*)(4:164) are not about the names of the prophets. Instead, both of them are stating that the stories of some prophets such as Noah and Abraham (AS) have been referred to in the Quran and, on the contrary, the stories of some others including Idris and Ezekiel (*Dhul Kifl*) have not been mentioned, and only their names have been nearly or definitely stated in it. Allah has guided the people who didn't have any prophet through the intellect- the inner prophet-, and the group of Warners and Guides. Increasing the number of prophets stems from Jewish culture; as the term "nabi/ navi" has had a general meaning and also included rabbis, augurs, and Torah commentators.

**Keywords:** Number of the prophets, Stories of the Quran, Philosophy of the prophecy, Evaluation of hadiths by the Quran





سال ۵۵ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۱۰ - بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۹۸ - ۶۹	HomePage: <a href="https://jquran.um.ac.ir/">https://jquran.um.ac.ir/</a>
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۰۸
نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲
	DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jquran.2023.61941.0">https://doi.org/10.22067/jquran.2023.61941.0</a>

## شمار پیامبران در قرآن و تحلیل انتقادی آن در منابع اسلامی

دکتر محسن رجبی قدسی (نویسنده مسئول)

استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

Email: [rajabi@quran.ac.ir](mailto:rajabi@quran.ac.ir)

رضوان رخشانی

کارشناس ارشد علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

### چکیده

در قرآن کریم فقط نام ۲۵ پیامبر ذکر شده است، اما در تفاسیر مجامع حدیثی و دیگر منابع اسلامی، شمار پیامبران را از ۲۳ تا ۲۲۲۵۰۰۰ آورده‌اند. غالب این آمارها یا سند ندارند یا از نظر سندی ضعیف‌اند و حجیت ندارند. در عین حال، از صدر اسلام تاکنون با استشهاد به آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ» (مؤمن: ۷۸) تضادی میان قرآن و روایات دیده نشده و در عرف مسلمانان شمار پیامبران با رقم ۱۲۴۰۰۰ جا افتاده و شهرت یافته است. مسئله این است که آیه پیش گفته و نیز آیه هم‌مضمون آن «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ» (نساء: ۱۶۴) در مقام بیان آن نیستند که نام برخی از انبیا در قرآن آمده و نام برخی نیامده است، بلکه هر دو آیه در مقام بیان این مطلب‌اند که قصه بعضی از انبیا همچون نوح(ع) و ابراهیم(ع) در قرآن بیان شده و قصه برخی از انبیا چون ذوالکفل(ع) و ادريس(ع) در قرآن نیامده و تقریباً یا تحقیقاً به ذکر نام آن پیامبران اکتفا شده است. خداوند هدایت اقوامی که پیامبری نداشته‌اند را با عقل-پیامبر درونی- و سلسله مندران و هادیان به سامان رسانده است. انبوه‌سازی پیامبران ریشه در فرهنگ یهودیان دارد، زیرا «نبی/انوی» معنایی عام داشته و کاهنان و پیشگویان و مفسران تورات را نیز در برمی‌گرفته است.

**واژگان کلیدی:** شمار انبیا، قصص قرآن، فلسفه نبوت، عرضه روایات بر قرآن.

## مقدمه

خداوند در قرآن کریم فقط ۲۵ نفر را به عنوان نبی و رسول معرفی کرده است؛ اما در منابع حدیثی، تفسیری و دیگر منابع اسلامی، شمار پیامبران بسیار متفاوت بیان شده است که در ترتیب کمتر به بیشتر عبارت‌اند از: ۲۳، ۷۲، ۳۱۳، ۱۰۰۰، ۱۰۰۰، ۱۰۰۰ یا بیشتر، ۱۲۷۵، ۴۰۰۰، ۴۴۰۴، ۸۰۰۰، ۲۴۰۰۰، ۱۲۰۰۰۰، ۱۲۴۰۰۰، ۱۴۴۰۰۰، ۳۲۰۰۰۰، ۱۴۲۴۰۰۰، ۲۲۰۰۰۰۰، ۲۲۵۰۰۰۰.

علت این اختلاف چیست؟ آیا همه آن روایات و اقوال از نظر سند و متن حجیت دارند؟ آیا شمار پیامبران محدود به همان ۲۵ پیامبر نام‌برده شده در قرآن است؟ آیا دو آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ» (مؤمن: ۷۸) و «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ» (نساء: ۱۶۴) ناظر بر آن است که نام برخی از انبیا در قرآن نیامده است؟

این جستار ضمن بررسی این دو آیه و همه روایات و گزارش‌های موجود در منابع تفسیری و دیگر منابع اسلامی، تناقض متن آن روایات و گزارش‌ها را با یکدیگر و با بیان قرآن نقد و ارزیابی می‌کند.

در پیشینه این مسئله می‌توان به کتاب مطالعات قرآنی در سیره نبوی (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۵۵) و مقاله «عمومیت ارسال پیامبران از منظر قرآن کریم» (حامد شیوپور و محمد حاج محمدی، پژوهشنامه تفسیر کلامی قرآن، ۱۰۴ تا ۱۲۰) اشاره کرد؛ ولی هر دو منبع یادشده، به تفصیل روایات ناظر به شمار پیامبران را در همه منابع اسلامی بررسی نکرده‌اند.

## ۱. شمار پیامبران در احادیث

**سیصد و سیزده:** بکر بن سهل از عبدالله بن صالح از معاویه بن صالح از ابوعبدالملک محمد بن ایوب از ابن عائد از ابوذر نقل کرده است که او به رسول خدا گفت: «کَمْ الْأَنْبِيَاءُ؟ قَالَ: جَمًّا غَفِيرًا ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرًا» (طبرانی، مسند الشاميين، ۳/۱۵۴ تا ۱۵۵)؛ پیامبران چند نفرند؟ فرمود: جمع کثیری هستید، ۳۱۳ نفر.

**یک هزار:** احمد بن محمد از حسین بن سعید از حماد بن عیسی از حسین بن مختار از عبدالرحمن بن سیاه از عمران بن میثم از عبایه اسدی از امیرالمؤمنین علی (ع) از پیامبر روایت کرده است که فرمود: «أَنَّهُ خَاتِمُ أَلْفِ نَبِيٍّ وَأَنَا خَاتِمُ أَلْفِ وَصِيٍّ» (صفار، ۳۱۰)؛ رسول خدا خاتم هزار پیامبر و من خاتم هزار وصی هستم. **یک هزار یا بیشتر:** ابوبکر از علی بن مسهر از مجالد از شعبی از جابر بن عبدالله از پیامبر نقل کرده است: «أَنَا أَخْتِمُ أَلْفَ نَبِيٍّ أَوْ أَكْثَرَ» (ابن ابی شیبه، ۷/۴۸۸)؛ من خاتم هزار پیامبر یا بیشتر هستم.

عبدالله بن نمیر همدانی از مجالد بن سعید از عامر از جابر بن عبدالله از پیامبر روایت کرده است: «إِنِّي خَاتِمُ أَلْفِ نَبِيٍّ أَوْ أَكْثَرَ» (ابن سعد، ۱/۱۵۱).

مروان بن معاویه از مجالد از ابوالوداک از ابوسعید خدری از پیامبر روایت کرده است: «أَنَا أَخْتِمُ أَلْفَ نَبِيٍّ أَوْ أَكْثَرَ» (ابن ابی شیبه، ۴۸۹/۷).

عبدالله از کتاب پدرش به خط او [احمد بن حنبل] از عبدالمتعال بن عبدالوهاب از یحیی بن سعید اموی از مجالد از ابوالوداک از ابوسعید از پیامبر نقل کرده است: «إِنِّي خَاتِمُ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَكْثَرَ» (ابن حنبل، ۲۷۵/۱۸)؛ من خاتم هزار پیامبر و بیشتر هستم.

**چهار هزار:** محمد بن عبدالله شبیانی از هاشم بن مالک خزاعی از عباس بن فرج ریاحی از شرحبیل بن ابی عون از یزید بن عبدالملک از سعید معبری از ابوهریره نقل کرده است که پیامبر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ أَرْبَعَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ كَانَ لَهُمْ أَرْبَعَةَ أَلْفِ وَصِيٍّ» (مجلسی، ۳۱۲/۳۶).

**چهار هزار و چهار صد و چهار:** حسین بن محمد بن سعید مطبقی از محمد بن فیض بن فیاض از ابراهیم بن عبدالله بن همام از عبدالرزاق [از] معمر از ابن همام از پدرش از پدر بزرگش روایت کرده است که رسول خدا گفت: «در حالی که در حجر [اسماعیل در مسجد الحرام] بودم جبرئیل نزد من آمد و پاهایم را حرکت داد، از خواب بیدار شدم؛ زیر بغلم را گرفت و مرا در چیزی شبیه آشیانه پرنده‌گان قرار داد. تا چشمم را لحظه‌ای باز کردم، جبرئیل به سمت من برگشت و گفت: آیا می‌دانی کجا هستی؟ گفتم: نه، گفت: این بیت المقدس خانه دورتر خداست که در آن محشر و نشر خواهد بود. جبرئیل اذان و اقامه گفت. با گفتن «قد قامت الصلاة» نوری در آسمان درخشیدن گرفت که با آن قبور پیامبران شکافت و ۴۴۰۴ پیامبر دعوت جبرئیل را لیبیک گفتند، وقتی صفوف آن‌ها منظم شد، جبرئیل زیر بغلم را گرفت و گفت: ای محمد جلو بیا و نماز را با برادرانم بخوان؛ زیرا خاتم پیامبران از انبیای پیشین برای امامت نماز شایسته‌تر است» (ابن طاووس، ۱۰۰).  
**هشت هزار:** ابوریع زهرانی از محمد بن ثابت عبدی از معبد بن خالد انصاری از یزید [بن ابان] (ابن سعد، ۳۵۶/۱) رقاشی از انس بن مالک از پیامبر روایت کرده است: «كَانَ فِيمَنْ خَلَا مِنْ إِخْوَانِي مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ثَمَانِيَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ، ثُمَّ كَانَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ، ثُمَّ كُنْتُ أَنَا» (تمیمی، ۱۳۱/۷)؛ پیش از من، از برادرانم هشت هزار نفر پیامبر بودند، سپس عیسی بن مریم و پس از او من.

احمد بن اسحاق ابوعبدالله جوهری بصری از مکی بن ابراهیم از موسی بن عبیده ربذی از یزید رقاشی از انس بن مالک از پیامبر: «بَعَثَ اللَّهُ ثَمَانِيَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ: أَرْبَعَةَ أَلْفِ إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَ أَرْبَعَةَ أَلْفِ إِلَى سَائِرِ النَّاسِ» (همان، ۱۵۹/۷)؛ خداوند هشت هزار پیامبر برانگیخته است که چهار هزار نفر به سوی بنی اسرائیل و چهار هزار نفر به سوی دیگر مردمان مبعوث شدند.

ابوبکر محمد بن شاذان از زکریا بن عدی از مسلم بن خالد از زیاد بن سعد از محمد بن منکدر از صفوان بن سلیم از انس بن مالک از پیامبر: «بُعِثْتُ عَلَى إِثْرِ ثَمَانِيَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ، مِنْهُمْ أَرْبَعَةَ أَلْفِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (ابن

اعرابى، ۱۷۳/۱)؛ پس از هشت هزار پيامبر برانگيخته شدم كه چهارهزار تن آنان از بنى اسرائيل بودند. اسحاق از عبدالله از سعيد از محمد بن منكر از يزيد بن ابان از انس بن مالك از پيامبر: «بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ثَمَانِيَةَ آلَافٍ نَبِيِّ مِنْهُمْ أَرْبَعَةُ آلَافٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (بزاز، ۱/۵۸۳ تا ۵۸۴)؛ خداوند هشت هزار پيامبر برانگيخت كه چهارهزار نفر از بنى اسرائيل بودند.

احمد بن يحيى حلوانى از ابراهيم بن منذر حزامى از ابراهيم بن مهاجر بن مسمار از صفوان بن سليم از يزيد رقاشى از انس بن مالك: «بُعِثَ نَبِيُّ اللَّهِ بَعْدَ ثَمَانِيَةِ آلَافٍ نَبِيٍّ، مِنْهُمْ أَرْبَعَةُ آلَافٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (طبرانى، المعجم الأوسط، ۱/۲۳۶ تا ۲۳۷)؛ پيامبر خدا بعد از هشت هزار پيامبر برانگيخته شد كه چهارهزار نفر آنان از بنى اسرائيل اند.

ابوعون محمد بن احمد بن ماهان از على صفار از ابو عبدالله محمد بن على بن زيد از ابراهيم بن منذر حزامى از ابراهيم بن مهاجر بن مسمار از محمد منكر و صفوان بن سليم از يزيد رقاشى از انس بن مالك: «بُعِثَ رَسُولُ اللَّهِ بَعْدَ ثَمَانِيَةِ آلَافٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، مِنْهُمْ أَرْبَعَةُ آلَافٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (ابن حنبل، ۱۸/۲۷۵ تا ۲۷۶).

**يكصد و بيست هزار:** ابوطاهر احمد بن محمد بن عبدالرحيم از ابو محمد عبدالله بن جعفر بن حيان از ابوجعفر محمد بن عباس بن ايوب از محمد بن مرزوق بن بكير از يحيى بن سعد عشمى از ابن جريج از عطاء از عبيد بن عمير ثقفى نقل کرده است كه ابوذر به پيامبر گفت: يا رَسُولَ اللَّهِ، كَمْ النَّبِيِّينَ؟ قَالَ: «مِائَةُ أَلْفٍ وَ عِشْرُونَ نَبِيًّا»، قُلْتُ: كَمْ الْمُرْسَلُونَ؟ قَالَ: «ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ جَمْعُ الْغَفِيرِ» (شجرى، ۱/۲۶۸ تا ۲۶۹)؛ اى رسول خدا! پيامبران چند نفرند؟ فرمودند: ۱۲۰ هزار پيامبر؛ گفتم چه تعداد مرسل اند؟ گفت: ۳۱۳ نفر كه جمع كثيرى هستند.

محمد بن يحيى از احمد بن محمد از على بن حكيم از عبدالرحمن بن كثير از امام محمد باقر (ع) از پيامبر نقل کرده است: «كَانَ جَمِيعُ الْأَنْبِيَاءِ مِائَةَ أَلْفٍ نَبِيٍّ وَ عِشْرِينَ أَلْفٍ نَبِيٍّ» (كلينى، ۱/۲۲۴)؛ همه پيامبران ۱۲۰ هزار نفرند.

سعد بن عبدالله از حسين بن على زيتونى از احمد بن هلال از محمد بن ابى عمير از حماد بن عثمان از ابوبصير از امام صادق (ع) نقل کرده است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَصَافِحَهُ مِائَةُ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ عِشْرُونَ أَلْفِ نَبِيٍّ، فَلْيَنْزِرْ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) فِي النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ» (طوسى، تهذيب الأحكام، ۶/۴۸)؛ هر كس دوست دارد دستش را در دست ۱۲۰ هزار پيامبر بگذارد، قبر حسين (ع) را در نيمه شعبان زيارت كند.

**يكصد و بيست و چهار هزار:** محمد بن عيسى بن حيان مدائنى معروف به ابوسكين از محمد بن صباح از على بن حسن كوفى از ابراهيم بن يسع از ابوالعباس ضرير از خليل بن مرة از يحيى بصرى از زاذان از سلمان از

پیامبر از خدا که فرمود: «وَلَقَدْ خَلَقْتُ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ»؛ ۱۲۴ هزار پیامبر را آفریدم (ابن جوزی، الموضوعات، ۱/۲۸۹ تا ۲۹۰).

ابن عباس گوید: ... پیامبر در مسجد بود که عبدالله بن سلام نزد ایشان آمد و گفت: ... من فرستاده یهود به سوی تو هستم برای روشن شدن مطلبی و تو از محسنین هستی... ای محمد مرا آگاه کن که خداوند از فرزندان آدم چه تعداد پیامبر آفریده است؟ پیامبر گفت: ای ابن سلام، خداوند ۱۲۴ هزار پیامبر آفرید. گفت: راست گفتی ای محمد، آگاه ساز مرا که چه تعداد از آن‌ها رسول هستند؟ فرمود: ۳۱۳ نفر. گفت: راست گفتی ای محمد (مجلسی، ۵۷/۲۴۱ تا ۲۴۲).

ابومغیره از معان بن رفاعه از علی بن یزید از قاسم ابی عبدالرحمن از ابی امامه: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ فِي الْمَسْجِدِ جَالِسًا... حَتَّى جَاءَ أَبُو ذَرٍّ فَأَقْبَحَ فَأَتَى فَبَجَسَ إِلَيَّ... يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَمْ وَفَى عِدَّةَ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: مِائَةٌ أَلْفٍ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرُونَ أَلْفًا الرَّسُولُ مِنْ ذَلِكَ ثَلَاثٌ مِائَةٌ وَ خَمْسَةَ عَشَرَ جَمًّا غَفِيرًا» (ابن حنبل، ۳۶/۶۱۸ تا ۶۱۹)؛ رسول خدا در مسجد نشسته بود که ابوذر نزد وی آمد و گفت: ... ای رسول خدا پیامبران چند نفرند؟ فرمود: ۱۲۴ هزار که ۳۱۵ نفر از آن‌ها مرسل اند که جمع کثیری اند.

یحیی بن سعید از عبدالملک بن جریج از عطاء از عبید بن عمیر لیشی از ابوذر نقل کرده است که به پیامبر گفت: «كَمْ النَّبِيِّينَ؟ قَالَ: مِائَةُ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ. قُلْتُ: كَمْ الْمُرْسَلُونَ مِنْهُمْ؟ قَالَ: ثَلَاثُمِائَةٌ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ جَمًّا غَفِيرًا» (ابن بابویه، الخصال، ۲/۵۲۳ تا ۵۲۴؛ بیهقی، ۷/۹)؛ پیامبران چند نفرند؟ فرمود: ۱۲۴ هزار نفر. گفتم: چند نفر از آن‌ها مرسل اند؟ فرمود: ۳۱۳ نفر.

محمد بن احمد بن حسن از جعفر فریابی از سلیمان بن احمد از احمد بن انس بن مالک از ابراهیم بن هشام بن یحیی غسانی از پدرش از پدر بزرگش از ابودریس خولانی از ابوذر نقل کرده است که او به رسول خدا گفت: «يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: «مِائَةُ أَلْفٍ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرُونَ أَلْفًا»، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ الرَّسُولُ؟ قَالَ: «ثَلَاثُمِائَةٌ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ جَمًّا غَفِيرًا» (ابونعیم، ۱/۱۶۷)؛ پیامبران چند نفرند؟ پیامبر فرمود: ۱۲۴ هزار نفر. پرسیدم تعداد رسولان چقدر است؟ فرمود: ۳۱۳ نفر که جمع بزرگی هستند.

محمد بن احمد بغدادی و زاق از علی بن محمد مولی رشید از دارم بن قبیصه از علی بن موسی الرضا (ع) از موسی بن جعفر از جعفر بن محمد از محمد بن علی از علی بن حسین از حسین بن علی از امیرالمؤمنین از پیامبر اکرم: «خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ» (ابن بابویه، الخصال، ۲/۶۴۱)؛ خداوند بلندمرتبه ۱۲۴ هزار پیامبر را آفرید.

محمد بن احمد بغدادی از عبدالله بن محمد بن سلیمان بن عبدالله بن حسن از پدرش از جدش از زید بن علی از علی بن حسین (ع) از [امام] حسین (ع) از امیرالمؤمنین از پیامبر خدا: «خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ أَلْفِ

نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةً وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ؛ خداوند بلند مرتبه ۱۲۴ هزار پیامبر را خلق کرد (همو، همان، ۶۴۱/۲).  
[محمد بن ابى عبدالله كوفى از موسى بن عمران نخعى از عمويش حسين بن يزيد از حسن بن على بن ابى حمزه از پدرش از يحيى بن ابى القاسم از [امام] صادق جعفر بن محمد از پدرش از جدش نقل کرده است] كه رسول خدا فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةً وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ أَنَا سَيِّدُهُمْ وَ أَفْضَلُهُمْ وَ أَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (همو، الفقيه، ۱۸۰/۴)؛ براى خداى متعال ۱۲۴ هزار پیامبر است كه من سرور، برترين و گرامى ترين آنان نزد خداى متعال هستم.

احمد بن محمد از على بن حكيم از عبدالرحمن بن بكير هجرى از ابو جعفر از پیامبر خدا: «كَانَ عَدَدُ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةً وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ» (صفار، ۱۲۱)؛ شمار همه پیامبران ۱۲۴ هزار است.  
محمد بن حسين از عبدالله بن جبلة از داوود رقى از ابو حمزة ثمالى از ابو حجاز از امير المؤمنين على (ع): «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ حَتَمَ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةً وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ» (همان، ۱۲۱)؛ رسول خدا، ختم کننده ۱۲۴ هزار پیامبر است.

حسن بن محبوب از ابو حمزة ثمالى از حضرت على بن الحسين (ع): «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَصَافِحَهُ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةً وَ عَشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ، فَلْيَزِرْ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) فِي التَّصَفُّفِ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنَّ أَرْوَاحَ النَّبِيِّينَ (ع) يَسْتَأْذِنُونَ اللَّهَ فِي زِيَارَتِهِ فَيُؤْذَنُ لَهُمْ مِنْهُمْ خَمْسَةَ أَوْلِيَاءِ الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ قُلْنَا: مَنْ هُمْ؟ قَالَ: نُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٌ. قُلْنَا لَهُ: مَا مَعْنَى أَوْلِيَاءِ الْعَزْمِ؟ قَالَ: يُعْتَوَى إِلَى سَرِّقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا جَنَّتْهَا وَ يُنْسَاهَا» (ابن قولويه، ۱۷۹ تا ۱۸۰)؛ كسى كه دوست دارد ۱۲۴ هزار پیامبر با او مصافحه كنند بايد قبر اباعبدالله حسين بن على (ع) را در نيمه ماه شعبان زيارت كند. چنان كه ارواح انبيا از خدا اذن گرفته تا آن جناب را زيارت كنند. پس به ايشان اذن داده مى شود، پنج تن از ايشان اولوالعزم اند. عرض كرديم: ايشان چه كسانى هستند؟ امام (ع) فرمودند: نوح و ابراهيم و موسى و عيسى و محمد. به ايشان گفتيم: معناى اولوالعزم چيست؟ حضرت فرمودند: يعنى مبعوث شده اند به شرق و غرب زمين، به جن و انس.

سعد بن عبدالله از حسن بن على زيتونى و ديگران از احمد بن هلال از محمد بن ابى عمير از حماد بن عثمان از ابى بصير از امام صادق (ع): متن روايت همان متن روايت پيشين است (همان، ۱۷۹ تا ۱۸۰).

**يكصد و چهل و چهار هزار:** محمد بن جعفر مؤدب از عده اى از اصحاب از محمد بن حسين بن ابوالخطاب از على بن اسباط از حسن بن زياد از صفوان بن مهران جمال از امام صادق (ع): «يَا صَفْوَانُ هَلْ تَدْرِي كَمْ بَعَثَ اللَّهُ مِنْ نَبِيٍّ؟ قَالَ: قُلْتُ: مَا أَدْرِي. قَالَ: بَعَثَ اللَّهُ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةً وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ» (مفيد، ۲۶۳)؛ اى صفوان آيا مى داني خدا چه تعداد پیامبر برانگيخته است؟ گفتيم: نمى دانم. فرمود: خداوند ۱۴۴ هزار پیامبر مبعوث کرده است.

**سیصد و بیست هزار:** احمد بن محمد بن یحیی از پدرش از ابن ابان از ابن اورمه از علی بن مطهر از حسن بن میشمی از مردی از امام صادق (ع): «قَالَ أَبُو دَرَّزٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ بَعَثَ اللَّهُ مِنْ نَبِيِّ؟ فَقَالَ: ثَلَاثٌ مِائَةٌ أَلْفٌ نَبِيٍّ وَعِشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ. قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَمْ الْمُرْسَلُونَ؟ فَقَالَ: ثَلَاثٌ مِائَةٌ وَبِضْعَةَ عَشَرَ...» (مجلسی، ۶۰/۱)؛ ابوذر گفت: ای رسول خدا، خداوند چه تعداد نبی برانگیخته است؟ فرمود: ۳۲۰ هزار پیامبر. ابوذر پرسید: ای رسول خدا چند نفر مرسل بودند؟ فرمود: سیصد و اندی.

## ۲. نقد شمار پیامبران در احادیث

سند احادیث ۱ تا ۱۰ ضعیف است؛ زیرا در سند حدیث ۱، بکر بن سهل (۲۸۹دق) تضعیف شده است (ذهبی، میزان الاعتدال، ۳۴۶/۱)؛ در حدیث ۲، عبدالرحمن بن سیبیه مجهول است؛ حلقه مشترک احادیث شماره ۳، مجالدین سعید بن عمیر همدانی کوفی (۱۴۴دق) است که رجال شناسان او را «كَانَ ضَعِيفًا فِي الْحَدِيثِ» دانسته‌اند (ابن سعد، ۳۳۶/۶؛ نک: بخاری، ۱۳۰)؛ در حدیث ۴، ابوهریره از نظر رجالی وضعیت درخور قبولی ندارد (ابن قتیبه، تأویل مختلف الحدیث، ۷۲ تا ۷۳). بنا به روایتی از امام صادق (ع)، ابوهریره یکی از آن سه نفری است که بر پیامبر دروغ می‌بستند (ابن بابویه، الخصال، ۱۹۰/۱)، دیگر افراد سند نیز ناشناخته‌اند؛ ابراهیم بن عبدالله بن همام در سند حدیث ۵، کذاب، منکر الحدیث و متروک الحدیث است (ابن جوزی، الضعفاء، ۴۱/۱).

احادیث شماره ۶ به سبب ضعیف بودن ابراهیم بن مهاجر و قاص بودن یزید بن ابان رقاشی و منکر الحدیث و متروک بودن او و ضعف موسی بن عبیده ربذی و منکر الحدیث بودن او (جرجانی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ۳۴۹/۱؛ ۴/۸ تا ۴/۵؛ ۱۳۰/۹ تا ۱۳۱) از نظر سند حجیت ندارند (ابن کثیر، ۴۱۸/۲)؛ در سند احادیث شماره ۷، جرح و تعدیلی درباره عبید بن عمیر ثقفی و حسین بن علی در منابع رجالی در دست نیست. عبدالرحمن بن کثیر نیز ضعیف است (نجاشی، ۲۳۴).

در سند احادیث شماره ۸، ابوالسکین و ابراهیم، مجهول و ضعیف‌اند. یحیی بصری نیز متروک است و برخی او را کذاب دانسته‌اند و حدیث او را می‌سوزانند (ابن جوزی، الموضوعات، ۲۸۹/۱ تا ۲۹۰). عبدالله بن سلام بن حارث از یهودیانی بود که در سال اول یا هشتم هجری اسلام آورد. وی متهم به حمایت از عثمان و بیعت نکردن با امام علی (ع) و نفوذ اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی است (ابن خلدون، ۲۶۷/۱ و ۵۵۵). رجال شناسان، معان بن رفاعه را ضعیف (سعدی، ۱۵۸) و علی بن یزید را واهی الحدیث و کثیر المنکرات دانسته‌اند (حافظ مزنی، ۱۷۹/۲۱). یحیی بن سعید بصری، واه (ضعیف) و اموی است که مقلوبات



(تغییریافته‌ها) و مُلَزَقَات را روایت می‌کند (ذهبی، تاریخ الإسلام، ۱۲۵۰/۴). در منابع رجالی اهل سنت، عبیدبن عمیر بن قَتَادَةَ لیشی (۶۸د ق) ثقة دانسته شده است، ولی باتوجه به اینکه او از نخستین قصه‌گویان در عهد عمر بن خطاب است و عایشه او را با «خَفَّفَ فَإِنَّ الذِّكْرَ ثَقِيلٌ» نصیحت کرده است (ابن سعد، ۱۶/۶) و حضرت علی (ع) قصه‌گویان را، که به طور معمول اسرانیلیات را در منابر نقل می‌کردند از مساجد اخراج کردند (ابوطالب مکی، ۲۵۶/۱)، نمی‌توان به گزارش او اعتماد کرد. رجال‌شناسان، ابراهیم بن هشام بن یحیی غسانی را کذاب دانسته‌اند (ذهبی، میزان الاعتدال، ۷۳/۱). حدیث دارم بن قبیصه ناآشناست و وثاقت ندارد (ابن غضائری، ۵۸) و محمد بن احمد بغدادی ناشناخته و جرح و تعدیلی درباره او نیامده است. محمد بن ابوعبدالله کوفی گرچه ثقة است، ولی از ضعف نقل می‌کند (نجاشی، ۳۷۳)، حسین بن یزید نیز متهم به غلو است و حسن بن علی بن ابی حمزه نیز طعن شده است (همان، ۳۶ و ۳۸). عبدالرحمن بن بکیر کوفی در منابع رجالی ناشناخته است. اگر بکیر، تصحیف کثیر باشد، عبدالرحمن بن کثیر (کلینی، ۲۲۴/۱)، ضعیف است (نجاشی، ۲۳۴). درباره ابوحجاز، داود رقی و حسن بن علی زیتونی جرح و تعدیلی در منابع رجالی نیامده است. سند حدیث ماقبل آخر افتادگی دارد و فراز دوم متن آن نیز به سبب تعارض با بیان قرآن نادرست است؛ زیرا دعوت و رسالت پیامبران الهی منطقه و قوم خاصی را در بر می‌گرفته است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ» (اعراف: ۵۹)؛ «وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ» (عنکبوت: ۱۶)؛ «وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ» (اسراء: ۲)؛ «وَ [عیسی بن مریم] رُسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ» (آل عمران: ۴۹)؛ جز رسالت و دعوت خاتم پیامبران که جهانی و همیشگی است: «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ [مُحَمَّدًا] إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیا: ۱۰۷)؛ «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبأ: ۲۸)؛ «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف: ۱۵۸). اما دیگر آموزه متن حدیث؛ یعنی تشویق و تحریض به زیارت امام حسین (ع) درست است و ده‌ها حدیث صحیح دیگر آن را تأیید می‌کند.

محمد بن حسین بن ابوالخطاب در سند شماره ۹ ناشناخته است و سند حدیث شماره ۱۰ به سبب ناشناخته بودن «رجل» (مردی) ضعیف است.

### ۳. شمار پیامبران در تفاسیر

اغلب مفسران، روایات ناظر بر شمار انبیا را کم‌وبیش آورده‌اند، ولی اندکی از آنان به نقد آن روایات و ترجیح یکی از آن‌ها پرداخته‌اند. قرطبی، روایت ابوذر (۱۲۴ هزار پیامبر) را صحیح‌ترین آن‌ها می‌داند (قرطبی، ۱۹/۶)؛ در حالی که ابن جوزی روایت سلمان فارسی را که در آن به خلق ۱۲۴ هزار پیامبر تصریح شده است را موضوع و جعلی می‌داند (الموضوعات، ۱/۲۸۸ تا ۲۸۹). حقی بروسوی پس از آوردن روایت ۱۲۴ هزار پیامبر، آن را خبر واحدی می‌داند که مفید ظن است و در امور اعتقادی ظن جایگاهی ندارد

**چهارهزار:** سلمان فارسی از پیامبر: «بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ نَبِيًّا» (مکی بن حموش، ۶۴۶۷/۱۰)؛ خداوند ۴۰۰۰ پیامبر برانگیخت.

**هشت هزار:** سُدّی (د۱۲۷ق) از مفسران تابعی: «بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى ثَمَانِيَةَ آلَافٍ نَبِيًّا: أَرْبَعَةَ آلَافٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَأَرْبَعَةَ آلَافٍ مِنْ غَيْرِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (سمعانی، ۳۲/۵)؛ خداوند هشت هزار پیامبر برانگیخته است: چهارهزار از بنی اسرائیل و چهارهزار از غیر بنی اسرائیل.

**یکصد و بیست و چهار هزار:** فقیه ابو جعفر از احمد بن محمد قاضی از ابراهیم بن حشیش بصری از شعبه از ابی اسحاق از حارث اعور از ابوذر غفاری از پیامبر اکرم (ص): «كَانَتْ الْأَنْبِيَاءُ مِائَةً أَلْفَ نَبِيٍّ وَأَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ، وَكَانَ الْمُرْسَلُونَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ عَشْرًا»؛ انبیا ۱۲۴ هزار نفر و رسولان ۳۱۳ نفر بودند (سمرقندی، ۳۵۸/۱).

و هب بن منبّه (د۱۱۴ق)، تابعی و آشنا با کتب ادیان پیش از اسلام گوید: «الْأَنْبِيَاءُ كُلُّهُمْ مِائَةٌ وَأَرْبَعَةٌ وَ عَشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ كُلُّهُمْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا عَشْرِينَ نَبِيًّا» (مکی بن حموش، ۴۶۷/۱)؛ کل پیامبران ۱۲۴ هزار نفرند که همه آنان جز ۲۰ نفر از بنی اسرائیل اند.

**کعب [الأخبار]** - از احبار یهود که پس از رحلت پیامبر اکرم اسلام آورد، گفته است: «الَّذِي عَلَّمْتُهُ مِنَ عَدَدِ الْأَنْبِيَاءِ مِائَةً وَأَرْبَعَةً وَ عَشْرُونَ أَلْفًا»؛ آنچه از شمار پیامبران آموخته‌ام، ۱۲۴ هزار نفرند (بیضاوی، ۱۳۵/۱).

فی کتاب النبوة بالإسناد عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی قال: «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَسْأَلُهُ عَنْ ذِي الْكُفْلِ وَ مَا اسْمُهُ وَ هَلْ كَانَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ؟ فَكَتَبَ: «أَنَّ اللَّهَ بَعَثَ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ الْمُرْسَلِينَ مِنْهُمْ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ عَشْرًا رَجُلًا وَ إِنَّ ذَا الْكُفْلِ مِنْهُمْ وَ كَانَ بَعْدَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ كَانَ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ كَمَا يَقْضِي دَاوُدُ وَ لَمْ يَغْضَبْ قَطُّ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى وَ كَانَ اسْمُهُ عَدُوًّا بَيْنَ أَدَارِينَ» (طبرسی، مجمع البیان، ۹۵/۷)؛ عبدالعظیم حسنی نامه‌ای به امام جواد (ع) نوشت و از ایشان درباره نام ذی الکفل و پیامبر بودن او پرسید، آن حضرت در پاسخ نوشتند: خداوند ۱۲۴ هزار نبی مبعوث کرد که ۳۱۳ نفر از آن‌ها مرسل بودند و ذی الکفل (ع) یکی از آنان بود. او پس از سلیمان (ع) در میان مردم مانند داود قضاوت می‌کرد و نام او عدویا بن ادارین بود و جز برای خدا غضب نمی‌کرد.

**یک میلیون و چهارصد و بیست و چهار هزار:** سمرقندی (د۳۹۵ق) به نقل از مقاتل [بن سلیمان (د۱۵۰ق) از اتباع تابعین]، شمار پیامبران را ۱۴۲۴۰۰۰ پیامبر گزارش کرده است (۳۵۷/۱)، در حالی که در نسخه چاپی تفسیر مقاتل بن سلیمان این مطلب وجود ندارد. این عدد را ابو حیان اندلسی به نقل از کعب

الأخبار نیز آورده است (ابوحیان، ۱۳۸/۴).

دومیلیون و دویست هزار: از کعب الأخبار روایت شده است: «كان الأنبياء ألفي ألف ومائتي ألف» (سمرقندی، ۳۵۷/۱).

دومیلیون و دویست و بیست و پنج هزار: کعب الأخبار گفته است: «الأنبياء ألفا ألف ومائتا ألف و خمسة وعشرون ألفا» (طبرانی، التفسیر، ۳۳۲/۲).

نامعلوم و غیرقابل حصر: برخی از مفسران، ذیل فراز «منهم من لم نقصص عليك» (مؤمن: ۷۸) معتقدند: شمار پیامبران نامعلوم است و محدود کردن آن‌ها جایز نیست (کرمانی، ۱۰۳۴/۲)؛ زیرا با توجه به دو آیه «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر: ۲۴) و «وَقُرُونًا بَيِّنَ ذَلِكَ كَثِيرًا» (فرقان: ۳۸) تعداد انبیا بسیار بوده است، بنابراین عددهای مطرح شده نادرست است و فقط خدا به شمار آنان آگاه است (ابن عطیه، ۱۳۷/۲). همچنان که آیه «أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ» (ابراهیم: ۹) مؤید آن است (نظام الاعرج، ۴۴/۶).

نقد شمار پیامبران در تفاسیر: گزارش ۱ به سبب مرسل بودن سند ضعیف است. گزارش ۲ را سدی از تابعان نقل کرده است که فاقد حجیت است. گزارش های ۴ و ۵ و ۶ از کعب الأخبار نقل شده است که دروغ گوست. در گزارش ۳ برای ابراهیم بن حشیش بصری در منابع رجالی جرح و تعدیلی ذکر نشده است. خبر بعدی به سبب مرسل بودن سند آن ضعیف است و رجال شناسان درباره وثاقت وهب بن منبه متفق القول نیستند (ذهبی، دیوان الضعفاء، ۴۲۹). امام باقر (ع)، کعب الأخبار را به سبب طرح این موضوع که کعبه هر روز صبح در مقابل بیت المقدس سجده می کند، دروغ گو خوانده است (کلینی، ۲۴۰/۴). خبر پایانی نیز به علت مرسل بودن سند، فاقد حجیت است.

در نقد دیدگاه ۷، نخست بایسته است بدانیم که همه پیامبران خدا، منذر بوده اند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ» (صافات: ۷۲)، ولی منذران به پیامبران محدود نبوده و نیستند: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر: ۲۴)؛ لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۶۷) و همه مناطق جهان پیامبر نداشته اند: «وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا» (فرقان: ۵۱). پس از نزول قرآن مقرر شده است که هر فردی با فراگرفتن قرآن منذر شود و دیگران را نیز انداز کند: «وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَن بَلَغَ» (انعام: ۱۹)؛ چنان که گروهی از جنیان پس از استماع آیاتی از قرآن منذر شدند و برای انداز قوم خود به سوی آنان رفتند: «وَإِذْ صَرَّفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ. قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا... يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ. يَا قَوْمَنَا أٰجِئُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَ آمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُجْزِكُمْ مِّنْ عَذَابِ آلِيمٍ» (احقاف: ۳۱ تا ۲۹). بنابراین، سلسله منذران پس از خاتم پیامبران ادامه

دارند. آیه نهم سوره ابراهیم نیز در مقام بیان نام پیامبران نیست، بلکه در یادکرد از اقوام گذشته از قوم نوح و عاد و ثمود یاد کرده و از بعضی از اقوام نام نبرده است که اخبار وقایع آن‌ها را جز خدا نمی‌داند.

#### ۴. شمار پیامبران در دیگر منابع اسلامی

**بیست و سه:** ابن سعد در الطبقات الكبرى ذیل باب «ذُكِرُ تَسْمِيَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَسْمَائِهِمْ» از هشام بن محمد بن سائب کلبی (د ۲۰۴ق)، مورخ و نسب‌شناس معروف و او از پدرش گزارش کرده است که: «أَوَّلُ نَبِيٍّ بُعِثَ إِدْرِيسُ... ثُمَّ نُوحٌ... ثُمَّ إِبْرَاهِيمُ... ثُمَّ إِسْمَاعِيلُ وَ إِسْحَاقُ... ثُمَّ يَعْقُوبُ... ثُمَّ يُوسُفُ... ثُمَّ لُوطٌ... ثُمَّ هُودٌ... ثُمَّ صَالِحٌ... ثُمَّ شُعَيْبٌ... ثُمَّ مُوسَى وَ هَارُونُ... ثُمَّ إِيَّاسُ... ثُمَّ الْيَسَعَ... ثُمَّ يُوسُفُ... ثُمَّ أَيُّوبُ... ثُمَّ دَاوُدُ... ثُمَّ سُلَيْمَانُ... ثُمَّ زَكَرِيَّا... ثُمَّ يَحْيَى... ثُمَّ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ... ثُمَّ النَّبِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ» (ابن سعد، ۴۵/۱ تا ۴۶)؛ نخستین پیامبر خدا، ادریس بود و پیامبران پس از او عبارت‌اند از: نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، لوط، هود، صالح، شعیب، موسی، هارون، الیاس، الیسع، یونس، ایوب، داود، سلیمان، زکریا، یحیی، عیسی و محمد.

**هفتاد و دو:** ابو محمد ضمره بن عبدالله بن سعید اندلسی از عبدالله بن ابراهیم تونسلی از یحیی بن محمد بن خشیش از سلیمان بن عمران از عبدالله بن خارجه غافقی از مالک بن انس از نافع از ابن عمر گزارش کرده است که رسول خدا فرمود: «لُعِنَتِ الْقَدْرِيَّةُ وَ الْمُرَجَّةُ عَلَيَّ لِسَانِ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَبِيًّا أَوْلَهُمْ نُوحٌ وَ آخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ» (قرشی، ۲۸۵)؛ قدریه و مرجه از سوی ۷۲ پیامبر لعنت شده‌اند که نخستین آن‌ها نوح و آخرین آنان محمد است.

**یک هزار:** عبدالله بن سبا که یهودی و اهل صنعا بود... در زمان عثمان اسلام آورد و به مناطق مهم مسلمانان؛ حجاز، بصره، کوفه و شام سفر کرد و تلاش کرد آنان را گمراه کند... او از شام اخراج شد و به مصر رفت و با آنان عمره را به جا آورد و از جمله مطالبی که به آنان گفت این بود: «إِنَّه كَانَ أَلْفَ نَبِيٍّ وَ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ» (سیف بن عمر، ۴۸)؛ ۱۰۰۰ پیامبر بوده‌اند که هر یک از آنان وصی‌ای داشته است.

**یک هزار و دوست و هفتاد و پنج:** حماد بن حمید گفته است: «كَتَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ يَسْأَلُهُ عَنِ هَذِهِ الْمَسَائِلِ وَ كَانَ الرَّجُلُ عَالِمًا... وَ سَأَلَ عَنِ عَدَدِ الْأَنْبِيَاءِ كَانُوا فِيهَا بَلَّغْنَا وَ اللَّهُ أَعْلَمُ أَلْفَ نَبِيٍّ وَ مِئَتِي نَبِيٍّ وَ خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ نَبِيًّا؛ وَ كَانَ مِنْهُمْ ثَلَاثُ مِئَةٍ وَ خَمْسَةَ عَشَرَ رَسُولًا» (ابن عساکر، ۲۰۴ تا ۲۰۱/۷۳)؛ مرد عالمی طی نامه‌ای از ابن عباس تعداد انبیا را پرسید. ابن عباس در پاسخ نوشت: براساس آنچه به ما رسیده و خدا داناترست، ۱۲۷۵ پیامبر که ۳۱۵ نفر آن‌ها رسول هستند.

**چهار هزار:** محمد بن زکریا غلابی از شعیب بن واقد از لیث از [امام] جعفر بن محمد از پدرش [امام] باقر (ع) از جدش از جابر نقل کرده است که پیامبر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَعَثَ أَرْبَعَةَ أَلْفٍ نَبِيٍّ وَ لِكُلِّ

نَبِيِّ [وَصِيٍّ] (ابن رستم طبری، ۲۰۲ تا ۲۰۵)؛ خداوند ۴۰۰۰ پیامبر برانگیخته است که هریک وصی ای دارند.

احمدبن محمدبن عبدالله جوهری از محمدبن عمر قاضی جعابی از محمدبن عبدالله ابوجعفر از محمدبن حبیب جند نیشابوری از یزیدبن ابی زیاد از عبدالرحمن بن ابی لیلی از علی (ع) گزارش کرده است که فرمود: «كنت عند النبي في بيت أم سلمة إذ دخل علينا جماعة من أصحابه منهم سلمان وأبوذر والمقداد وعبدالرحمن بن عوف فقال سلمان: يا رسول الله إن لكل نبي وصياً وسبطين، فمن وصيك وسبطيك؟ فأطرق ساعة ثم قال: يا سلمان إن الله بعث أربعة ألف [آلاف] نبي و كان لهم أربعة ألف [آلاف] وصي وثمانية ألف [آلاف] سبط؛ فوالذي نفسي بيده لأنا خير الأنبياء ووصيي خير الأوصياء وسبطاي خير الأسباط. ثم قال: يا سلمان أتعرف من كان وصي آدم؟ فقال: الله ورسوله أعلم؛ فقال: إنني أعرفك يا أبا عبدالله و أنت من أهل البيت؛ إن آدم أوصى إلى ابنه نيث [ثيث] و أوصى نيث [ثيث] إلى ابنه شبان و أوصى شبان إلى مخلب و أوصى مخلب إلى نوح و أوصى نوح إلى عثمان و أوصى عثمان إلى أخنوخ و هو إدريس النبي و أوصى إدريس إلى ناخورا و أوصى ناخورا إلى نوح و أوصى نوح إلى سام و أوصى سام إلى عثمان و أوصى عثمان إلى ترعشاثا و أوصى ترعشاثا إلى يافث و أوصى يافث إلى برة و أوصى برة إلى خفسية و أوصى خفسية إلى عمران و أوصى عمران إلى إبراهيم و أوصى إبراهيم إلى ابنه إسماعيل و أوصى إسماعيل إلى إسحاق و أوصى إسحاق إلى يعقوب و أوصى يعقوب إلى يوسف و أوصى يوسف إلى برثيا و أوصى برثيا إلى شعيب و أوصى شعيب إلى موسى و أوصى موسى إلى يوشع بن نون و أوصى يوشع إلى داود و أوصى داود إلى سليمان و أوصى سليمان إلى آصف بن برخيا و أوصى آصف إلى زكريا و أوصى زكريا إلى عيسى ابن مريم و أوصى عيسى ابن مريم إلى شمعون بن حمون الصفا و أوصى شمعون إلى يحيى بن زكريا و أوصى يحيى إلى منذر و أوصى منذر إلى سلمة و أوصى سلمة إلى برة و أوصى برة إلى وأنا أذفعها إلى علي. فقال: يا رسول الله فهل بينهم أنبياء و أوصياء آخر؟ قال: نعم أكثر من أن تحصى...» (خزاز رازی، ۱۴۷ تا ۱۴۹)؛ من نزد پیامبر در منزل ام سلمه بودم که گروهی؛ از جمله سلمان و ابوذر و مقداد و ابن عوف وارد شدند، پیامبر در پاسخ سلمان که وصی و دو سبط شما چه کسانی هستند، فرمود: خداوند ۴۰۰۰ پیامبر برانگیخت که در مجموع ۴۰۰۰ وصی و ۸۰۰۰ سبط دارند....

بیست و چهار هزار: عارف شعرانی به نقل از خضر آورده است که او از ۲۴ هزار پیامبر درباره کاربردن چیزی که بنده را از سلب ایمان حفظ کند، پرسید. هیچ یک پاسخی ندادند؛ از محمد پرسید، ایشان از جبرئیل و او از خداوند پرسید که پاسخ از این قرار است: «من واطب على قراءة آية الكرسي و آمن الرسول إلى آخر سور [البقرة] و شهد الله أنه لا إله إلا هو و الملائكة إلى قوله الإسلام و قل اللهم مالك الملك

إِلَىٰ بَغْيَرِ حَسَابٍ وَ الْإِخْلَاصِ وَ الْمَعْوَذَتَيْنِ وَ الْفَاتِحَةِ عَقِبَ كُلِّ صَلَاةٍ أَمِنَ مِنْ سَلْبِ الْإِيمَانِ» (کزبری، ۴۴).  
**یکصد و بیست هزار:** ابوالقاسم زاهر بن طاهر از ابوسعید جنزودی از ابوعمر و بن حمدان از حسن بن سفیان بن حامد بن عامر از ابراهیم بن هشام بن یحیی بن یحیی غسانی دمشقی از پدرش و او از پدر بزرگش از ابوادریس خولانی از ابوذر غفاری... «قلت: یا رسول الله! کم الأنبياء؟ قال: مائة ألف و عشرون ألفاً. قلت: یا رسول الله کم الرسل من ذلك؟ قال: ثلاثمائة و ثلاثة عشر جمماً غفيراً» (ابن عساکر، ۲۳/۲۷۴ تا ۲۷۵)؛  
 گفتیم: ای رسول خدا، پیامبران چند نفرند؟ فرمود: ۱۲۰ هزار پیامبر. گفتیم: چند نفر آن‌ها مرسل‌اند؟ فرمود: ۳۱۳ نفر که جمع انبوهی هستند.

**یکصد و بیست و چهار هزار:** «و نظر آدم إلى طائفة من ذريته بتألاً نورهم يسعی قال آدم: ما هؤلاء؟ قال: هؤلاء الأنبياء من ذريتك؛ قال: كم هم يا رب؟ قال: هم مائة ألف نبي و أربعة و عشرون ألف نبي» (ابن طاووس، ۳۵)؛ آدم به گروهی از ذریه خویش که نورانی بودند نگاه کرد و پرسید: اینان چه کسانی هستند؟ خدا گفت: پیامبران از نسل تو که ۱۲۴ هزار نفرند.

انس بن مالک از پیامبر از جبرئیل از پروردگار متعال نقل کرده است که همانا خدا پیامبر را با هفت چیز کرامت بخشیده است: «... دوم: ۱۲۴ هزار پیامبر مشتاق تو و امت تو هستند؛ و الثالث: لم أعط أمتك مالاً كثيراً حتى لا يطول عليهم الحساب. و الرابع: لم أطول أعمارهم حتى لا تجتمع عليهم الذنوب كثيراً. و الخامس: لم أعطهم من القوة كما أعطيت من قبلهم حتى لا يدعوا الربوبية، كما ادعت الأمم السابقة. و السادس: أخرجتهم في آخر الزمان حتى لا يكون مقامهم تحت التراب كثيراً...» (خرکوشی، ۲۳۰/۴).  
 ابن عباس از رسول خدا آورده است: «لَمَّا عَرَّجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ... فَلَمَّا صِرْتُ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةَ، رَأَيْتُ بِهَا مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ» (شاذان قمی، ۶۴ تا ۶۵)؛ زمانی که به آسمان عروج کردم... و به آسمان چهارم رسیدم در آنجا ۱۲۴ هزار پیامبر دیدم.  
 وهب [بن منبه] از ابن عباس گزارش کرده است: «كانت الأنبياء مائة ألف و أربعة و عشرين ألف نبي» (ابن قتیبه، المعارف، ۵۶).

داود بن عوف تمیمی از امیرالمؤمنین علی (ع): «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ خَتَمَ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ...» (دیلمی، ۳۰۱)؛ رسول خدا، ختم کننده ۱۲۴ هزار پیامبر است.

در دعای کنز العرش، مروی از پیامبر آمده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَقُّ الْعَدْلُ الْبَاقِي، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ... وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مِائَةِ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ...» (کفعمی، ۳۵۷ تا ۳۵۸).

**نقد شمار پیامبران در دیگر منابع اسلامی:** در روایت شماره ۱، محمد بن سائب کلبی را از اصحاب امام باقر و امام صادق (ع) بر شمرده‌اند (خویی، ۱۲۱/۳). گفته‌اند تا پایان عمرش با محبت به اهل بیت زندگی کرد (کلینی، ۳۵۱/۱). نجاشی، فرزند او هشام را با عبارت «المشهور بالفضل و العلم و کان یختص بمذهبن» ستوده است (نجاشی، ۴۳۴). در این گزارش، از اسباط و ذوالکفل نام برده نشده است؛ همچنین بنابر احادیث معتبر، نوح، نخستین پیامبر خداست نه ادریس (ابن مبارک، ۶۱؛ نک: ترمذی، ۲۰۰/۴).

سند روایت شماره ۲ به سبب صاحب مناکیر (ابن حجر، ۲۷۶/۶) و متهم به وضع بودن یحیی بن محمد بن خشیش (ابن عراق، ۳۱۲/۱) ضعیف است. همچنین اصطلاح قدریه و مرجئه نخستین بار در اواخر سده یک و آغاز سده دوم هجری به کار رفته‌اند.

بسیاری از مورخان و عالمان رجالی، عبدالله بن سبا در سند روایت ۳ را از غلات می‌دانند. او امام علی (ع) را تا مقام خدایی بالا می‌برد و به سبب همین رفتار، امامان اهل بیت او را لعن و از وی اعلام بیزاری کرده‌اند (کشی، ۱۰۶/۱ تا ۱۰۷/۱). روایت ۴ به سبب مرسل بودن سند و مشخص نبودن وضعیت حماد بن حمید حجیت ندارد.

سند روایت ۵ به سبب ناشناخته بودن شعیب و لیث ضعیف است. همچنین وضعیت رجالی احمد، محمد بن عبدالله و محمد بن حبیب نامشخص است. در متن خبر نیز برخی همچون منذر و سلمه و برده که پیامبر وصایت را از برده دریافت کرده است، ناشناخته‌اند. همچنین فراز پایانی خبر (غیر قابل شمارش بودن پیامبران و اوصیا) با آغاز آن (پیامبران ۴۰۰۰ و اوصیا نیز ۴۰۰۰ نفرند) در تعارض است.

در خبر ۶ گویا منظور از عارف شعرانی، ابوالموهّب عبدالوهاب بن احمد بن علی انصاری (د ۹۷۳ق) محدث و فقیه شافعی اهل مصر باشد. به هر روی، خبر او به سبب ارسال سند فاقد حجیت است. ابوحاتم و ابوزرع، ابراهیم بن هشام در سند روایت ۷ را کذاب دانسته‌اند (ذهبی، میزان الاعتدال، ۷۳/۱).

در روایات شماره ۸ سید بن طاووس خبر نخست را از هفت دفتر صحائف ادریس که آن‌ها را در کتابخانه «مشهد مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب» یافته و دیده است، گزارش می‌کند که فاقد سند است. در روایت دوم بنا به روایتی از امام صادق (ع)، انس یکی از آن سه نفری است که بر پیامبر دروغ می‌بستند (ابن بابویه، الخصال، ۱۹۰/۱). ویژگی‌های مطرح برای امت پیامبر در متن خبر با آموزه‌های قرآن و واقعیت جامعه اسلامی در تضاد است. روایت سوم به سبب ارسال در سند، ضعیف است. متن آن نیز با احادیثی که تعداد پیامبران را ۱۲۴ هزار معرفی کرده است در تعارض است، چون با افزوده شدن خاتم پیامبران، شمار آنان به ۱۲۴۰۰۱ پیامبر می‌رسد. در روایت چهارم اگر داود، داود بن ابوعوف ابوجحاف تمیمی کوفی باشد، درباره وثاقت او اختلاف نظر است. برخی او را با الفاظ ثقة، صالح الحدیث و لیس به بأس

ستوده‌اند (مزی، ۴۳۶/۸) و بعضی او را با «لیس بالقوی» و «ولاً ممن یحتج به فی الحدیث» جرح کرده‌اند (جرجانی، الکامل فی ضعف الرجال، ۵۴۵/۳). دعای کنز العرش افزون بر اینکه مرسل و فاقد سند است، فرازهایی از آن؛ از جمله فراز «سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» با شأن و جایگاه والای اسوه حسنه خاتم پیامبران سازگار نیست، زیرا خدا از پیامبر اکرم خواسته است که مانند حضرت یونس (ع) عجله و بی‌صبری نکند تا دچار ظلم نشود: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ» (قلم: ۴۸).

## ۵. شمار پیامبران در قرآن

در قرآن کریم نام ۲۵ پیامبر ذکر شده است که عبارت‌اند از: نوح،<sup>۱</sup> ادریس، هود، صالح، شعیب، لوط، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، اسباط، ایوب، ذوالکفل، موسی، هارون، یونس، داود، سلیمان، الیاس، الیسع، زکریا، یحیی، عیسی و محمد.

به‌طور معمول، تاکنون دو آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ» (مؤمن: ۷۸) و «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ» (نساء: ۱۶۴) این‌گونه فهم شده است که خداوند نام برخی پیامبران را در قرآن آورده و از ذکر نام برخی خودداری کرده است. نخستین بار محمدبن سائب کلبی (د ۱۴۶ق) از مفسران متقدم کوفه، آیه ۱۶۴ نساء را در مقام بیان نام پیامبران پنداشته و این‌گونه معنا کرده است که ما نام برخی از انبیا را به تو گفته‌ایم و نام بعضی را بیان نکرده‌ایم (واحدی، ۱۹۶/۷). این فهم نادرست از آیه به دیگر منابع (نک: مروزی، ۷۷۱) و اغلب تفاسیر راه یافته است (عیاشی، ۲۸۵/۱؛ طبرانی، التفسیر، ۳۳۲/۲) و برخی به سبب رواج اخباری که شمار پیامبران را انبوه و فراوان مطرح کرده‌اند، پنداشته‌اند که نام بسیاری از پیامبران در قرآن نیامده است (طبرسی، مجمع البیان، ۲۱۸/۳). بنابراین، آن اخبار را با اینکه یک سخن نیستند و با یکدیگر در تضادند را ذیل آیه می‌آورند تا نشان دهند شمار انبوهی از پیامبران نامشان در قرآن نیامده است (سیواسی، ۲۵۳/۱)؛ برای مثال، سمرقندی (د ۳۹۵ق) چهار رقم ۱۲۴۰۰۰، ۱۴۲۴۰۰۰، ۲۲۰۰۰۰۰ و ۸۰۰۰ را به‌عنوان شمار پیامبران گزارش کرده است، ولی هیچ توضیحی برای برون‌رفت از تضاد میان این اعداد مطرح نمی‌کند (سمرقندی، ۳۵۷/۱ تا ۳۵۸). درحالی‌که این دو آیه در مقام بیان این نکته مهم‌اند که خداوند در قرآن قصه برخی از انبیا را به‌اجمال یا به‌تفصیل آورده است مانند حضرت اسماعیل و حضرت موسی (ع) و قصه بعضی را نیاورده و فقط به ذکر نام آن‌ها اکتفا کرده است؛ مانند حضرت الأسباط، ذوالکفل و الیسع (لسانی فشارکی و مرادی

۱. در برخی احادیث و ادعیه، نخستین پیامبر خدا، حضرت نوح (ع) معرفی شده است (طیالسی، ۵۰۰/۳؛ ۴۳۰/۴؛ ابن‌ابی‌شیبیه، ۳۰۹/۶؛ شریف‌رضی، ۴۳؛ نک: کلینی، ۲۹۲ تا ۲۹۸؛ بهبودی، ۲۹۷؛ لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۵۶؛ رجیبی قدسی و ضیاء قریشی، ۱۱۶ تا ۹۵) و آدم ابوالبشر مصطفای خداوند است (ابن‌قولویه، ۲۰۶ و ۲۲۹).



زنجانی، ۶۸).

ابوالمظفر سمعانی (۴۸۹ق) در ذیل آیه ۷۸ سوره مؤمن: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ»؛ با تکیه بر بعضی از تفاسیر، شمار پیامبران مذکور در قرآن را ۲۵ نفر اعلام می‌کند. با توجه به سیاق سخن او می‌توان گفت: سمعانی تنها مفسری است که شمار پیامبران را همان ۲۵ نفر پیامبر مذکور در قرآن می‌داند، زیرا نخست اینکه وی به خبری منسوب به حضرت علی (ع) استناد کرده است که خداوند پیامبری حبشی را برانگیخت که نام او در قرآن نیامده است؛ یعنی اگر آیه ۷۸ مؤمن را در مقام بیان نام پیامبران بدانیم، فقط یک پیامبر نامش در قرآن ذکر نشده است و دیگر آنکه، او ۱۲۴ هزار پیامبر را فقط سخنی بر سر زبان مردم می‌داند؛ یعنی شهرتی است بی‌پایه و بی‌اساس و سوم اینکه، ۸۰۰۰ پیامبر را فقط از قول سندی از مفسران تابعی آورده است و هیچ اشاره‌ای به احادیثی که آن تعداد را منسوب به رسول خدا کرده‌اند نمی‌کند؛ گویا وی اخبار و روایات وارده در این موضوع را نادرست و ساختگی می‌داند. به این ترتیب او نشان داده است وقتی قرآن از ۲۵ پیامبر نام می‌برد و روایات، وضعیت آشفته و پریشانی دارند، نباید از سخن صریح قرآن به اخبار مبهم، متناقض و ساخته دست دیگران عدول کرد (سمعانی، ۳۲/۵).

شیوه بیان مکی بن ابی طالب (۴۳۷ق) ذیل همان آیه گویای آن است که او نیز شمار پیامبران در روایات را درخور اعتماد نمی‌داند؛ زیرا پس از اشاره به روایت انس و سلمان که ۸۰۰۰ و ۴۰۰۰ پیامبر را گفته‌اند، با استناد به خبر منسوب به مولا علی (ع) تنها پیامبری که قصه او در قرآن نیامده را بنده‌ای حبشی دانسته است (مکی بن حموش، ۱۰/۶۴۶۷).

تعبیرهای قرآنی مانند «تِلْكَ الرُّسُلُ» (بقره: ۲۵۳) و «...أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ» (انعام: ۸۹) حکایت از محدود و مشخص بودن نام پیامبران در قرآن دارد. مولا علی (ع) نیز شمار پیامبران را قلیل و نام همه آنان را مشخص می‌داند: «وَ اصْطَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ... وَ لَمْ يُخْلِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ؛ رُسُلٌ لَانْقِصَرُ بِهِمْ قَلَّةٌ عَدَدِهِمْ وَ لَا كَثْرَةُ الْمُكَدِّبِينَ لَهُمْ مِنْ سَابِقِ سُمِّيَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَوْ غَابِرِ عَرَفَهُ مِنْ قَبْلِهِ عَلَى ذَلِكَ نَسَلَتِ الْقُرُونُ وَ مَصَّتِ الدُّهُورُ وَ سَلَفَتِ الْأَبَاءُ وَ خَلَفَتِ الْأَبْنَاةُ إِلَى أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا (ص) رَسُولَ اللَّهِ لِإِنْجَازِ عِدَّتِهِ وَ إِتْمَامِ نُبُوَّتِهِ» (شریف رضی، ۴۳)؛ خداوند سبحان پیامبران را از فرزندان آدم برگزید... و هیچ‌گاه بندگان را از پیامبری مرسل یا کتابی آسمانی یا حجتی لازم یا نشان دادن راهی روشن رها نساخت. پیامبرانی که کمی تعدادشان و کثرت تکذیب‌کنندگانشان سبب کوتاهی در انجام وظیفه‌شان نشد؛ چه پیامبر گذشته که پیامبر آینده با نام و نشان برایش مشخص شد یا پیامبر آینده‌ای که پیامبر پیشین او را معرفی کرد. قرن‌ها بدین سان

گذشت و دوران‌ها سپری شد، پدران در گذشتند و فرزندان جای آن‌ها را گرفتند تا آنکه خداوند سبحان، محمد رسول‌الله را برای به انجام رساندن وعده‌اش و به پایان بردن نبوتش بر انگیخت. ممکن است این اشکال مطرح شود که اگر شمار انبیا محدود به پیامبران ذکرشده در قرآن باشد، تکلیف امت‌هایی که پیامبر نداشته‌اند چه خواهد بود؟ آیا حجت خدا بر آنان تمام شده است؟ در پاسخ می‌توان گفت: بنا بر آموزه امام کاظم (ع) به هشام‌بن حکم که فرمودند: «یا هشام! إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَيْمَةُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ»؛ خداوند دو حجت بر مردم دارد: یکی، حجت آشکار و دیگری، حجت درونی و باطنی؛ حجت آشکار، پیامبران و رسولان و امامان‌اند و حجت باطنی، عقل‌هاست (کلینی، ۱۶/۱). بنابراین، حجت خدا فقط پیامبر بیرونی نیست؛ عقل، حجت و پیامبر درونی است که امت‌های پیشین و از جمله آدم و حوا و نسل آن‌دو از آن برخوردار بودند. چنان‌که حضرت علی (ع) نیز فرموده‌اند: «وَلَمْ يَخْلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ، أَوْ حُجَّةٍ لَزِمَةٍ، أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ» (شریف رضی، ۴۳)؛ خداوند سبحان بندگانش را بدون پیامبر یا کتاب آسمانی یا حجتی که قرین و همراه همیشگی انسان است یا نشان‌دادن راه روشن رها نساخت. آیه «وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد: ۷) نیز بیانگر آن است که برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای بوده و هست که لزوماً به معنای پیامبر بودن آن هادی نبوده و نیست. چنان‌که امام صادق (ع)، امام را هادی مردم همان دوره‌ای می‌دانند که با آنان زندگی می‌کند (کلینی، ۱۹۱/۱).

#### جدول شمار پیامبران در قرآن

ردیف	نام پیامبر	قصه پیامبر در قرآن به تفصیل گزارش شده است	قصه پیامبر در قرآن به اجمال گزارش شده است	آیه یا آیات بیانگر حکم پیامبری	قومی که پیامبر برای هدایت آنان فرستاده شده است
۱	نوح	✓		نوح: ۱؛ احزاب: ۷؛ شعرا: ۱۰۵؛ فرقان: ۳۷؛ مؤمنون: ۲۳؛ هود: ۲۵؛ یونس: ۷۱؛ اعراف: ۵۹؛ نساء: ۱۶۳	قوم نوح
۲	هود	✓		شعرا: ۱۲۳ تا ۱۲۵؛ هود: ۵۰؛ اعراف: ۶۵	عاد

ثمود	نمل: ۴۵؛ شعرا: ۱۴۱ تا ۱۴۳؛ هود: ۶۱ و ۶۶؛ اعراف: ۷۳ تا ۷۵			✓	صالح	۳
قوم لوط/ اخوان لوط	صافات: ۱۳۳؛ عنکبوت: ۲۸؛ نمل: ۵۴؛ شعرا: ۱۶۰ تا ۱۶۲؛ انبیاء: ۷۴؛ اعراف: ۸۰؛ انعام: ۸۶			✓	لوط <sup>۱</sup>	۴
قوم ابراهیم	اعلی: ۱۹؛ شورا: ۱۳؛ مریم: ۴۱؛ نساء: ۱۶۳؛ آل عمران: ۸۴؛ بقره: ۱۳۶			✓	ابراهیم	۵
اصحاب الایکه/ اصحاب مدین <sup>۳</sup>	عنکبوت: ۳۶؛ شعرا: ۱۷۶ تا ۱۷۸؛ هود: ۸۴؛ اعراف: ۹۲ تا ۹۵			✓	شعیب <sup>۲</sup>	۶
-	صاد: ۴۸؛ انبیاء: ۸۵؛ مریم: ۵۴؛ انعام: ۸۶؛ نساء: ۱۶۳؛ آل عمران: ۸۴؛ بقره: ۱۳۶		✓		اسماعیل	۷
-	صافات: ۱۱۲ تا ۱۱۳؛ صاد: ۴۵؛ مریم: ۴۹؛ انعام: ۸۴؛ نساء: ۱۶۳؛ آل عمران: ۸۴؛ بقره: ۱۳۶		✓		اسحاق	۸
مردم کنعان (فلسطین)، دو	مریم: ۴۹؛ انعام: ۸۴؛ نساء: ۱۶۳؛ آل عمران: ۸۴؛ بقره:			✓	یعقوب	۹

۱. در چهار آیه بلافاصله پس از قوم صالح، قوم لوط مطرح می‌شود (شعراء: ۱۴۲ تا ۱۶۰؛ هود: ۶۰ تا ۷۰ و ۷۰ تا ۸۹؛ اعراف: ۸۰ تا ۸۰).

۲. «وَاِذَا قَوْمٌ لَا يَجْرِمُكُمْ شِقَاقِي اَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا اَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ اَوْ قَوْمَ هُودٍ اَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمٌ مِّنْكُمْ بِبَعِيدٍ» (هود: ۸۹).

۳. بنا بر نظر برخی از مفسران تابعی: مدین و اصحاب ایکه دو امت‌اند که خداوند شعیب(ع) را به‌سوی آن دو فرستاد (سیوطی، الدر المنثور، ۵۰۲/۳).

سال پایانی رسالتشان در مصر بوده است. <sup>۱</sup>	۱۳۶					
مردم مصر	مؤمن: ۳۴			✓	یوسف	۱۰
—	نساء: ۱۶۳؛ آل عمران: ۸۴؛ بقره: ۱۳۶	✓			الاسباط	۱۱
—	انعام: ۸۴؛ نساء: ۱۶۳		✓		ایوب	۱۲
قوم یونس و پس از نجات یونس از درون نهنگ، او به سوی قومی که بیش از یکصد هزار نفر بودند، ارسال شد. <sup>۲</sup>	صافات: ۱۳۹؛ نساء: ۱۶۳			✓	یونس	۱۳
فرعون و ملا او (هامان و قارون و...) / قوم فرعون/بنی اسرائیل	صافات: ۱۲۱ تا ۱۱۴؛ شعرا: ۲۱؛ انبیاء: ۴۸؛ یونس: ۷۵؛ انعام: ۸۹ تا ۸۴؛ نساء: ۱۶۴؛ آل عمران: ۸۴؛ بقره: ۱۳۶			✓	موسی	۱۴
فرعون و	صافات: ۱۲۱ تا ۱۱۴؛			✓	هارون	۱۵

۱. امام باقر (ع) فرموده‌اند: «از زمانی که یعقوب و خاندانش به مصر آمدند تا دو سال که یعقوب زنده بود، یوسف، پادشاه و یعقوب، حجت خدا بود. پس از این دو سال که یعقوب رحلت کرد، یوسف، حجت خدا و جانشین یعقوب شد» (عیاشی، ۱۹۸/۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۴۵۹/۵).

۲. «وَأَرْسَلْنَا إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ. فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ» (صافات: ۱۴۷ تا ۱۴۸).

ملاً او (هامان و قارون و...)/بنى اسرائيل	انبیاء: ۴۸؛ مریم: ۵۳؛ یونس: ۷۵؛ انعام: ۸۹ تا ۸۴؛ نساء: ۱۶۳					
بنى اسرائيل	نمل: ۱۵؛ انبیاء: ۷۹ تا ۷۸؛ اسراء: ۵۵؛ انعام: ۸۹ تا ۸۴؛ نساء: ۱۶۳؛ بقره: ۲۵۱			✓	داود	۱۶
بنى اسرائيل	نمل: ۱۵؛ انبیاء: ۷۹ تا ۷۸؛ انعام: ۸۴؛ نساء: ۱۶۳			✓	سليمان	۱۷
—	انبیاء: ۸۵؛ صاد: ۴۸	✓			ذوالکفل ۱	۱۸
بنى اسرائيل <sup>۲</sup>	مریم: ۵۶	✓			ادريس	۱۹
—	صاد: ۴۸؛ انعام: ۸۶	✓			اليسع	۲۰
قومه (بدون نام)	صافات: ۱۲۳		✓		الياس	۲۱
قومه (آل يعقوب)	انعام: ۸۹ تا ۸۵			✓	زكريا	۲۲
—	مریم: ۱۲؛ آل عمران: ۳۹			✓	يحيى	۲۳
بنى اسرائيل	آل عمران: ۸۴؛ بقره: ۱۳۶			✓	عيسى	۲۴

۱. عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسنى قال: كُتِبَتْ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَسْأَلُهُ عَنْ ذِي الْكُفْلِ وَ مَا اسْمُهُ وَ هَلْ كَانَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَكَتَبَ: «إِنَّ ذَا الْكُفْلِ مِنْهُمْ وَ كَانَ بَعْدَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ كَانَ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ كَمَا يَقْضِي دَاوُدُ وَ لَمْ يَغْضَبْ قَطَ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى» (طبرسى، مجمع البيان، ۹۵/۷).

۲. «وَ قَدْ قِيلَ: إِنَّهُ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (ابن كثير، ۲۱۴/۵).

۲۵	محمد	✓			فتح: ۲۹؛ قتال (محمد): ۲؛ یاسین: ۳؛ احزاب: ۴۰؛ آل عمران: ۱۴۴؛ بقره: ۲۵۲ و...	همه جهانیان تا یوم القیامة
----	------	---	--	--	--	----------------------------------

در برخی از تفاسیر با تردید از پیامبری سام بن نوح (ابن عدیم، ۳۲۸۶/۷)، عبدصالح/خضر (مقاتل بن سلیمان، ۵۹۴/۲)، ذوالقرنین، عزیر، لقمان،<sup>۱</sup> تبع و مریم سخن رفته است (سیوطی، نواهد الأیکار، ۴۰۶/۲ تا ۴۰۷)؛ در حالی که هیچ یک از اصطلاحاتی را که قرآن برای نشان دادن نبوت پیامبران به کار می برد، برای این افراد به کار نبرده و به پیامبری آنها هیچ اشاره ای نشده است. اصطلاحات ناظر به پیامبری عبارت اند از: «إِبْرَاهِيمَ... وَ... إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ... وَ نُوحًا... وَ... دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ... وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى وَ إِبْرَاهِيمَ... وَ إِسْمَاعِيلَ وَ الْيَسَعَ وَ يُنُسَ وَ لُوطًا... أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَ وَ النَّبُوَّةَ» (انعام: ۸۳ تا ۸۹)؛ «أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ... وَ الْأَسْبَاطِ» (نساء: ۱۶۳)؛ «وَ دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ... وَ كَلَّمْنَا نُوْحًا وَ عَلَمًا» (انبیا: ۷۹)؛ «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ... وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» (مریم: ۵۴)؛ «فَقَرَّضْتُ [مُوسَى] مِنْكُمْ لَمَّا خَفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (شعرا: ۲۱)؛ «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا» (مریم: ۵۶)؛ «وَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (صافات: ۱۲۳)؛ «يَحْيَى... نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۳۹)؛ «كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ. إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ» (شعرا: ۱۲۳ تا ۱۲۴)؛ «كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ. إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ» (شعرا: ۱۴۱ تا ۱۴۲)؛ «كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ. إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ» (شعرا: ۱۷۶ تا ۱۷۷).

کلبی نیز گفته است میان حضرت عیسی (ع) تا خاتم پیامبران، چهار پیامبر مبعوث شدند که سه نفر آنان از بنی اسرائیل و یک تن از عرب به نام خالد بن سنان عیسی بوده اند (نظام الاعرج، ۵۷۱/۲؛ نک: کلینی، ۳۴۲/۸؛ جاحظ، ۴۹۷/۴).

سخن کلبی برخلاف نص قرآن و حدیث معتبر است، زیرا بر پایه آیه ۶ سورة صف: «وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ»؛ پیامبر پس از حضرت عیسی (ع)، حضرت محمد (ص) خاتم پیامبران است که به احمد هم نامبردار بوده است؛ چنان که در آیه ۶ سورة یاسین نیز این مطلب تأکید می شود: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ... لِنُنذِرَ قَوْمًا مَا أُنذِرَ آبَاؤَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ». حدیث معتبر نیز همراه با قرآن گفته کلبی را بر نمی تابد، رسول خدا

۱. قال ابن عمر، سمعت رسول الله يقول: «حقاً أقول لم يكن لقمان نبياً ولكن عبداً صمّاً، كثير التفكير، حسن اليقين» (تعلی، ۱۹۹/۲۱).

فرموده‌اند: «الْأَنْبِيَاءُ إِخْوَةٌ... فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ؛ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ نَبِيٌّ» (طیالسی، ۳۰۱/۴)؛ پیامبران برادران یکدیگرند... من نزدیک‌ترین به عیسی بن مریم هستم، زیرا میان من و او پیامبری نبود. به گفته امام باقر(ع): «أَنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ لَمْ يَسْمَعُوا وَحِيًّا- فِيمَا بَيْنَ أَنْ بُعِثَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ إِلَى أَنْ بُعِثَ مُحَمَّدٌ» (قمی، ۲۰۲/۲)؛ اهل آسمان‌ها میان بعثت عیسی بن مریم و حضرت محمد، وحی‌ای را نشنیده بودند. امام صادق(ع) از امام علی(ع) روایت می‌کند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَرْسَلَ إِلَيْكُمْ الرَّسُولَ وَأَنْزَلَ إِلَيْهِ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَأَنْتُمْ أُمِّيُونَ عَنِ الْكِتَابِ وَمَنْ أَنْزَلَهُ، وَعَنِ الرَّسُولِ وَمَنْ أَرْسَلَهُ عَلَى حِينِ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ...» (کلینی، ۶۰/۱)؛ ای مردم! در دوره فترت ارسال رسولان الهی<sup>۲</sup> و درحالی‌که از خدا و رسول و کتاب او بیگانه و غافل بودید، خداوند متعال رسولش را به سوی شما فرستاد و بر او کتابش را به حق نازل کرد.

امام صادق(ع)، خالد بن سنان را عربی بدوی دانسته‌اند که پیامبر نبوده است و نبوت او سخنی است که فقط مردم [بدون علم و آگاهی] می‌گویند (طبرسی، الإحتجاج، ۳۴۶/۲؛ نک: خطبه ۱۰۴ نهج البلاغه: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ [وَتَعَالَى] بَعَثَ مُحَمَّدًا وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا وَلَا يَدْعِي نُبُوَّةً وَلَا وَحِيًّا».)  
در روایت حسین بن حمدان خصیبی، نبی در مفهومی عام به کار رفته است؛ وی از ابوالحسن عاصم کوفی گزارش کرده است که در پادگان نظامی نزد ابو محمد [امام] حسن [عسکری] رفتم و از ایشان پرسیدم: سرور من! آیا کسی که می‌گوید پیامبران خدا ۱۲۴ هزار نفر بودند، گناهکار است؟ فرمودند: خیر. در ادامه، امام(ع) ۱۲۴ هزار نفر را اعم از انبیا و رسولان می‌داند و این عدد را شامل اوصیا، ائمه، صدیقین، شهدا و صالحان می‌داند (خصیبی، ۳۳۵ تا ۳۳۷؛ نک: طوسی، مصباح المتهجد، ۷۵۸/۲). گویا تعبیر «نبی لهم» در داستان طالوت در مقایسه با اصطلاحات ناظر به حکم پیامبری بیانگر تمایز پیامبران منصوص الهی از پیامبران غیر منصوص در قرآن است.

<p>«الْمَ تَرَى إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ... وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ...» (بقره: ۲۴۸).</p>	<p>«إِبْرَاهِيمَ... وَ... إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ... وَ نُوحًا... وَ... دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ... وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى وَ الْيَاسَ... وَ إِسْمَاعِيلَ وَ الْيَسَعَ وَ يُونُسَ وَ لُوطًا... أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَ وَ النَّبُوَّةَ» (انعام: ۸۳ تا ۸۹).</p> <p>«أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلًا مِنْ رَبِّهِ» (اعراف: ۷۵).</p>
---	--

۱. اشاره به آیه ۱۹ سوره مانده: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ».

۲. از میلاد حضرت عیسی بن مریم تا بعثت خاتم پیامبران حضرت محمد(ص)، ۶۱۰ سال فاصله است.

<p>«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ» (نساء: ۱۷۰).</p>
---

## ۶. کاربرد نبی برای غیرانبیای الهی در ادبیات عهدینی

واژه نوبی/ نبی در عهد عتیق و فرهنگ بنی اسرائیل معانی مختلفی داشته است. نبوت، یعنی خبردادن از احکام الهی و امور دینی و عنوان نبی به طور اخص بر مفسران احکام الهی اطلاق می‌شد و به طور اعم، جادوگران مقدس، پیش‌گویان و منادیان طریقه اسرائیل و مردم دانشمند و صاحب امتیاز را نیز شامل می‌شد. از این رو، به سبب تخیلی که میان معنای نبوت و جادوگری پدید آمده بود، گاهی پیامبرانی چون عاموس که از جادوگران رویگردان بودند، خود را نبی نمی‌شمردند. در ادبیات عبری، سه اصطلاح «هوزه» (کسی که به او الهام می‌شد و کلام خدا در رؤیا به وی می‌رسید)، «رائی» (بیننده، کسی که از طریق انجام پاره‌ای فعالیت‌ها، موفق می‌شد نسبت به جهان الوهی آگاه شود) و «ایشیش‌ها الوهیم» (مرد خدا و همه کسانانی که رابطه‌ای ویژه با خداوند داشتند) نیز به نوعی حکایت از نبوت دارد. همچنین از پسران انبیا درباره اعضای گروه‌ها یا انجمن‌های نبوتی استفاده می‌شد که ساختار سلسله مراتب روحانی داشتند و در رأس آن رهبری بود که پدر نامیده می‌شد و پس از مرگ، عنوانش به پیامبر بعدی انتقال می‌یافت (زروانی و موسی‌پور، ۲۶ تا ۲۲).

آن‌گونه که از عهد عتیق بر می‌آید، نبی به معنای فردی که از جانب خدا مأموریت دارد کلام او را به مردم برساند، بر ۴۰ فرد منطبق است: ابراهیم، اخیاء، ارمیا، اشعیاء، الداد، الیشع، ایلیا، بلعام، جاد، حبقوق، حجی، حزقیال، حننیا، دانیال، داوود، زکریا، سموئیل، صفنیا، عاموس، عوبدیا، عدو، عودید، ملاکی، موسی، می‌داد، میکاه، میکا، ناتان، ناحوم، هارون، هوشع، یوشع، یونس، یونیل، ییهو و نیز برای زنانی به نام‌های حنا، دבורه، حلده، میریام و نعدیه (همان، ۲۷).

بنابراین، دگرگون‌کردن مفهوم نبی و پیامبران بدلی ساختن، جزئی از توطئه‌های بنی اسرائیل برای مبارزه با خدا و پیامبران الهی بوده است؛ در عهد قدیم آمده است که «گروهی از انبیا که از مکان بلند به زیر می‌آیند و در پیش ایشان چنگ و دف و نای و بریط بوده، نبوت می‌کنند، به تو خواهند برخورد و روح خداوند بر تو مستولی شده، با ایشان نبوت خواهی نمود» (کتاب اول سموئیل، ۵: ۱۰-۶) یا در عهد جدید گزارش شده است که «از انبیای کذب احتراز کنید که به لباس میش‌ها نزد شما می‌آیند ولی در باطن، گرگان درنده می‌باشند» (انجیل متی، ۷: ۱۵)، «ای حبیبیان، هر روح را قبول نکنید بلکه روح‌ها را بیازمایید که از خدا هستند یا نه، زیرا که انبیای کذب بسیار به جهان بیرون رفته‌اند» (رساله اول یوحنا، رسول، ۴: ۱)، مؤید آن



است که مفهوم نبی در ادبیات عهدینی فراتر از اصطلاح قرآنی نبی است. بر پایه آنچه گذشت به نظر می‌رسد شمار بالای انبیا از طریق اسرائیلیات وارد فضای فرهنگی مسلمانان شده و بدون دقت به پیامبر و ائمه طاهرین نیز نسبت داده شده است. این گفتمان سبب فهم نادرست از آیات قرآن شد و تا آنجا پیش رفت که گفته‌های بی‌اساسی ذیل آیات قرآن مطرح، ثبت و ضبط و تلقی به قبول شد؛ مانند اینکه خداوند از ذریه ابراهیم ۱۰۰۰ (سمرقندی، ۶۳۱/۲) یا ۷۰۰۰۰ پیامبر را مبعوث کرد (ابن شهر آشوب، ۲۴۴/۳)؛ ۱۴۰۰۰۰ پیامبر فقط از نسل حضرت یعقوب (ع) در قیامت از خدا طلب شفاعت می‌کنند تا خلائق از دوزخ در امان بمانند (جرجانی، درج الدرر، ۱۱۸۵/۳ تا ۱۱۸۶)؛ خداوند در یک شب (قشیری، ۶۴۱/۲) یا یک روز، ۱۰۰۰ پیامبر را در بنی اسرائیل برانگیخت (حقی برسوی، ۴۱۵/۸)؛ کافران اهل کتاب به‌ویژه یهودیان هر روز ۱۰۰۰ پیامبر را به قتل می‌رسانند (ماتریدی، ۳۴۰/۲)؛ در فاصله زمانی نبوت حضرت موسی (ع) با حضرت عیسی (ع) که ۱۹۰۰ سال به طول انجامید، خداوند ۱۰۰۰ پیامبر از بنی اسرائیل فرستاد که این غیر از رسولانی است که از غیر بنی اسرائیل گسیل شدند (ابن سعد، ۴۴/۱) یا میان آن دو ۴۰۰۰ پیامبر یا بیشتر فرستاده شدند (سمرقندی، ۳۹۲/۱)؛ خداوند به‌سوی قوم سبأ ۱۳ پیامبر یا ۱۲ هزار پیامبر فرستاد (ابن کثیر، ۴۴۸/۶)؛ در طور زیتا ۷۰ پیامبر به‌سبب گرسنگی مردند (عینی، ۲۷/۶)؛ در منا ۷۰ یا ۷۰۰۰۰ پیامبر نماز خوانده‌اند (نوری طبرسی، ۴۲۰/۳) یا میان صفا و مروه ۷۰۰۰۰ پیامبر مدفون شده‌اند (حقی برسوی، ۲۶۳/۱).

## نتیجه‌گیری

اخبار و روایات ناظر به بیان شمار پیامبران، اختلاف عمده‌ای با هم دارند و از نظر سندی اطمینان‌آور و موثق نیستند، زیرا اغلب راویان آن‌ها ضعیف و برخی ناشناخته و عده‌ای از آنان از یهودیان تازه مسلمان بوده‌اند. شیوع این اخبار دو دلیل عمده دارد: نخست اینکه، با توجه به خداستیزی یهودیان، آنان با بالا بردن شمار انبیا، خواهان تضعیف جایگاه پیامبران خدا و سامانه نبوت بوده‌اند؛ دوم آنکه، با دیدی خوش‌بینانه شمار بالای انبیا برخاسته از این مسئله است که در فرهنگ یهود و بنی اسرائیل، نبی معنایی عام داشته و کاهنان و پیش‌گویان و مفسران تورات را نیز در بر می‌گرفته است. بدفهمی از دو آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ» (مؤمن: ۷۸) و «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ» (نساء: ۱۶۴)، سبب اعتماد به آن روایات و اخبار در فرهنگ اسلامی شده است؛ در حالی که این دو آیه در مقام بیان آن است که قصه برخی از ۲۵ پیامبر نام‌برده شده در قرآن بیان نشده است.

## منابع

### قرآن کریم

- کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید، لندن: بی نا، ١٩٥٤م.
- ابن ابی شیبہ، عبداللہ بن محمد، المصنف فی الأحادیث و الآثار، بہ تحقیق عبداللہ عبسی، ریاض: رشد، ١٤٠٩ق.
- ابن اعرابی، احمد بن محمد، معجم، عربستان: ابن جوزی، ١٤١٨ق.
- ابن بابویہ، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ، ١٣٦٢.
- \_\_\_\_\_، کتاب من لا یحضرہ الفقیہ، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٣ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الضعفاء و المتروکون، بہ تحقیق عبداللہ قاضی، بیروت: دار الکتب العلمیہ، ١٤٠٦ق.
- \_\_\_\_\_، الموضوعات، بہ تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، مدینہ: سلفیہ، ١٣٨٨.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بہ تحقیق دائرۃ المعارف نظامی، بیروت: اعلمی، ١٤٠٦ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصروہم من ذوی الشأن الأكبر، بہ تحقیق خلیل شحادہ، بیروت: دار الفکر، ١٤٠٨ق.
- ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیہ، ١٤١٠ق.
- ابن شہر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: علامہ، ١٣٧٩.
- ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود للنفوس منضود، قم: دار الذخائر، بی تا.
- ابن عدیم، عمر بن احمد، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، بہ تحقیق سہیل زکار، بی جا: دار الفکر، بی تا.
- ابن عراق، علی بن محمد، تنزیہ الشریعہ المرفوعہ عن الأخبار الشنیعہ الموضوعہ، بہ تحقیق عبدالوہاب عبداللطیف و عبداللہ محمد صدیق غماری، بیروت: دار الکتب العلمیہ، ١٣٩٩.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق، بہ تحقیق عمرو بن غرامہ عمروی، بی جا: دار الفکر، ١٤١٥ق.
- ابن عطیہ، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، بہ تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی، بیروت: دار الکتب العلمیہ، ١٤٢٢ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، بہ تحقیق محمد رضا حسینی، قم: دار الحدیث، ١٣٦٤.
- ابن قتیبہ، عبداللہ بن مسلم، المعارف، بہ تحقیق ثروت عکاشہ، قاہرہ: الهيئة المصریة العامة للکتاب، ١٩٩٢م.
- \_\_\_\_\_، تأویل مختلف الحدیث، بی جا: اشراق، ١٤١٩ق.
- ابن قولویہ، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، بہ تحقیق عبدالحسین امینی، نجف: مرتضوی، ١٣٥٦.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بہ تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیہ، ١٤١٩ق.
- ابن مبارک، عبداللہ بن مبارک، مسند، بہ تحقیق صبحی بدری سامرائی، ریاض: معارف، ١٤٠٧ق.

- ابن مقرى، محمدبن ابراهيم، المعجم، به تحقيق ابى عبدالرحمن عادل بن سعد، رياض: رشد، ۱۴۱۹ق.
- ابوحيان، محمدبن يوسف، البحر المحيط فى التفسير، به تحقيق محمد جميل صدقى، بيروت: دار الفكر، ۱۴۲۰ق.
- ابوطالب مكي، محمدبن على، قوت القلوب فى معاملة المحبوب و وصف طريق المرید إلى مقام التوحيد، به تحقيق عاصم ابراهيم كىالى، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۶ق.
- ابونعيم، احمدبن عبدالله، حلية الأولياء و طبقة الأصفياء، مصر: سعادت، ۱۳۹۴.
- ابن حنبل، احمدبن محمد، مسند، به تحقيق شعيب ارنؤوط و دیگران، رسالت، ۱۴۲۱ق.
- ابن رستم طبرى، محمدبن جرير، نوادر المعجزات فى مناقب الأئمة الهداة، به تحقيق باسم محمد اسدى، قم: دليل ما، ۱۴۲۷ق.
- بخارى، محمدبن اسماعيل، كتاب الضعفاء، به تحقيق ابوعبدالله احمدبن ابراهيم بن ابى عينين، بی جا: ابن عباس، ۱۴۲۶ق.
- بزاز، محمدبن عبدالله، الفوائد؛ الغلانيات، به تحقيق اسعد عبدالهادى حلمى كامل، رياض: ابن جوزى، ۱۴۱۷ق.
- بهبودى، محمدباقر، «بازنگرى تاريخ انبيا در قرآن»، پژوهش هاى قرآنى، ش ۱۲ تا ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، صص ۲۸۴ تا ۳۴۹.
- بيضاوى، عبدالله بن عمر، انوار التنزيل و اسرار التأويل، به تحقيق محمد عبدالرحمن مرعشلى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۱۸ق.
- بيهقى، احمدبن حسين، سنن الكبرى، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
- ترمذى، محمدبن عيسى، سنن؛ جامع الكبير، به تحقيق بشار عواد معروف، بيروت: دار الغرب الإسلامى، ۱۹۹۸م.
- تميمى، ابويعلی احمدبن على، مسند، به تحقيق حسين سليم اسد، دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ق.
- ثعلبى، احمدبن محمد، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، جده: دار التفسير، ۱۴۳۶ق.
- جاحظ، عمرو بن بحر، الحيوان، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
- جرجانى، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، درج الدرر فى تفسير الآتى و السور، به تحقيق وليد بن احمد بن صالح حسين و اباد عبداللطيف قيسى، بریتانیا: مجلة الحكمة، ۱۴۲۹ق.
- جرجانى، عبدالله بن عدى، الكامل فى ضعفاء الرجال، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق.
- حافظ مژى، يوسف بن عبدالرحمن، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، به تحقيق بشار عواد معروف، بيروت: الرسالة، ۱۴۰۰ق.
- حقى برسوى، اسماعيل بن مصطفى، روح البيان، بيروت: دار الفكر، بی تا.
- خرکوشى، عبدالملك بن محمد، شرف المصطفى، مکه: دار البشائر الإسلامية، ۱۴۲۴ق.
- خزاز رازى، على بن محمد، كفاية الأثر فى النص على الأئمة الإثنى عشر، به تحقيق عبداللطيف حسینی كوه كمرى، قم: بيدار، ۱۴۰۱ق.

- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت: بلاغ، ۱۴۱۹ق.
- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- دیلمی، حسن بن محمد، غرر الأخبار، به تحقیق اسماعیل ضیفم، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، دار الغرب الإسلامی، ۲۰۰۳م.
- \_\_\_\_\_، دیوان الضعفاء و المتروکین و خلق من المجهولین و ثقات فیهم لین، مکه: النهضة الحديثة، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، به تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت: دار المعرفة، ۱۳۸۲.
- رجبى قدسى، محسن و فهيمه ضياء قريشى، «نخستين پیامبر خدا: آدم ابوالبشر یا حضرت نوح(ع)»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، س ۱۰، ش ۲۰، شهریور ۱۴۰۱، صص ۹۵ تا ۱۱۶.
- زروانى، مجتبی و ابراهیم موسی پور، «نبوت در دین های یهود و مسیحیت بر اساس کتاب مقدس»، اسلام پژوهی، س ۱، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۱ تا ۵۰.
- سعدی، ابوالحسن علی بن عبدالله بن جعفر، سؤالات محمد بن عثمان بن ابی شیبة لعلی بن المدینی، به تحقیق موفق بن عبدالله عبدالقادر، ریاض: معارف، ۱۴۰۴ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، به تحقیق عمر عمروی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
- سمعانی، منصور بن محمد، تفسیر القرآن، به تحقیق یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس، ریاض: دار الوطن، ۱۴۱۸ق.
- سیواسی، شهاب الدین احمد بن محمود، عیون التفاسیر للفضلاء السماسیر، به تحقیق بهاء الدین دارتما، بیروت: دار صادر، ۱۴۲۷ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، نواهد الأفكار و شوارد الأفكار، عربستان: دانشگاه ام القرى، ۱۴۲۴ق.
- \_\_\_\_\_، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دار الفکر، بی تا.
- شاذان قمی، شاذان بن جبریل، الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع)، به تحقیق علی شکرچی، قم: امین، ۱۴۲۳ق.
- شجرى، یحیی بن حسین، ترتیب الأمالی الخمیسیه، به تحقیق محمد حسن اسماعیل، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، به تحقیق صبحی صالح، قم: بی تا، ۱۴۱۴ق.
- شیواپور، حامد و محمد حاج محمدی، «عمومیت ارسال پیامبران از منظر قرآن کریم»، پژوهشنامه تفسیر کلامی قرآن، ش ۱، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۰۳ تا ۱۲۶.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم: آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ضبی اسیدی، سیف بن عمر، الفتنة و وقعة الجمل، به تحقیق احمد راتب عرموش، بی جا: دار النفائس، ۱۴۱۳ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، به تحقیق طارق بن عوض الله و عبدالمحسن حسینی، قاهره: دار الحرمین، ۱۴۱۵ق.

- \_\_\_\_\_، مسند الشاميين، بيروت: رسالت، ۱۴۰۵ق.
- \_\_\_\_\_، التفسير الكبير؛ تفسير القرآن العظيم، اردن: دار الكتاب الثقافى، ۲۰۰۸م.
- طبرسى، احمد بن على، الإحتجاج على اهل اللجاج، به تحقيق محمد باقر خراسان، مشهد: مرتضى، ۱۴۰۳ق.
- طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طوسى، محمد بن حسن، تهذيب الأحكام، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- \_\_\_\_\_، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بيروت: فقه الشيعة، ۱۴۱۱ق.
- طيالسى، سليمان بن داود، مسند، به تحقيق محمد بن عبدالمحسن تركى، مصر: دار هجر، ۱۴۱۹ق.
- عياشى، محمد بن مسعود، التفسير، به تحقيق هاشم رسولى، تهران: مكتبة العلمية الإسلامية، ۱۳۸۰.
- عينى، بدر الدين، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.
- قرشى، يحيى بن على، مجرد اسماء الرواة عن مالك، به تحقيق ابو محمد سالم بن احمد بن عبد الهادى سلفى، بى جا: مكتبة الغرباء الأثرية، ۱۴۱۸ق.
- قرطبى، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، به تحقيق هشام سمير بخارى، رياض: دار عالم الكتب، ۱۴۲۳ق.
- قشبرى، عبدالكريم بن هوازن، لطائف الإشارات؛ تفسير القشبرى، به تحقيق ابراهيم بسيونى، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، بى تا.
- قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، طيب موسى جزايرى، قم: دار الكتاب، ۱۴۰۴ق.
- كرمانى، محمود، غرائب التفسير و عجائب التأويل، جده: دار القبلة للثقافة الإسلامية، بيروت: مؤسسه علوم القرآن، بى تا.
- كزبرى، عبدالرحمن بن محمد، انتخاب العوالى و الشيوخ، به تحقيق محمد مطيع حافظ، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ق.
- كشى، محمد بن عمر، معرفة الرجال؛ كزبده شيخ طوسى، به تحقيق حسن مصطفى، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- كفعمى، ابراهيم بن على عاملى، البلد الأمين و الدرع الحصين، بيروت: مؤسسه اعلمى، ۱۴۱۸ق.
- كلينى، محمد بن يعقوب، كافي، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- لسانى فشاركى، محمد على و حسين مرادى زنجانى، مطالعات قرآنى در سيرة نبوى، تهران: صدوجهارده، ۱۳۹۸.
- ماترىدى، محمد بن محمد، تفسير؛ تأويلات اهل السنة، به تحقيق باسلوم مجدى، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۶ق.
- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.
- مروزى، محمد بن نصر، تعظيم قدر الصلاة، به تحقيق عبدالرحمن عبدالجبار فريوائى، مدينه: الدار، ۱۴۰۶ق.
- مفيد، محمد بن محمد، الإختصاص، به تحقيق على اكبر غفارى و محمود محرمى زرندى، قم: كننگره هزاره شيخ

مفید، ١٤١٣ق.

مقاتل بن سلیمان، تفسیر، به تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث، ١٤٢٣ق.

مکی بن حموش، الهدایة إلى بلوغ النهاية، الشارحة: كلية الشريعة و الدراسات الإسلامية، ١٤٢٩ق.

موصلی، احمد بن علی، مسند، دمشق: دار المأمون للتراث، ١٤٠٤ق.

نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم: نشر اسلامی، ١٣٦٥.

نظام الاعرج، حسن بن محمد، غرائب القرآن و غرائب الفرقان، به تحقیق زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیة،

١٤١٦ق.

نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، به تحقیق مؤسسه آل البيت، قم: آل البيت،

١٤٠٨ق.

واحدی، علی بن احمد، التفسیر البسیط، به تحقیق لجنة علمية من الجامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، بی جا:

بی نا، ١٤٣٠ق.

